

نگاهی به

ترجمه انگلیسی کتاب «طب نبوی»

علی بلوکباشی

Ibn Qayyim al-Jawziyya, *Medicine of the Prophet*,
Translated by Penelope Johnstone, The Islamic
Texts Society, Cambridge, U.K. 1998, XXXII+
318pp. (ISBN: 0-946621-22-5).

□ مقدمه

دامنه پژوهشهای دانش مردم‌شناسی بسیار گسترده و موضوعهای تحقیقی آن بسیار گوناگون و متنوع است. هرچا انسان حضور دارد، مردم‌شناس هم حضور می‌یابد و در همه عرصه‌ها، فعالیتهای اجتماعی، فرهنگی، دینی، سیاسی، اقتصادی، هنری و... او را در نظر می‌گیرد و روابطش را با مردم و محیط زیست اجتماعی و طبیعی مطالعه و بررسی می‌کند.

یکی از موضوعهای جدی و مهم در پژوهشهای مردم‌شناسی پژوهش در زمینه بیماریها و داروهای بومی و شناخت معارف مربوط به دانش پزشکی و داروشناسی عامه در جامعه‌ها و قومهای گوناگون جهان است. مردم‌شناس می‌کوشد تا به راهها و شیوه‌های تشخیص و درمان بیماریها و ناخوشیها و اسباب و داروهای که در درمان بیماریها به کار می‌رود دست یابد و چگونگی تفکر طبیبان را در علل بیماریها و عوامل بیماری‌زا، و نحوه شناخت آنان را درباره امراضی که ریشه و منشأ طبیعی، جسمانی، توارثی، آسمانی، اجتماعی، محیطی، فرهنگی و جادویی دارند دریابد و نظام اعتقادی مردم را نسبت به بیماریها و طبیبان بومی کشف کند. از این‌رو، امروزه «مردم‌شناسی پزشکی» شاخه مهمی از دانش انسان‌شناسی را به خود اختصاص داده است.

پزشکی در حوزه فرهنگهای قومی - سنتی را می‌توان به دو بخش طب عامه (folk medicine) و طب سنتی (traditional medicine) تقسیم کرد. طب عامه که با داروشناسی عامه (folk pharmacopedia) همراه است اساساً بر نظام طبی و درمانی ویژه‌ای

مبتنی است که با ساختار اجتماعی، اقتصادی و دینی - اعتقادی مردم جامعه مرتبط و هماهنگ است. طب عامه کهن‌ترین صورت نگرش عامه مردم به بیماریها و روش درمان بیماریهاست. طب عامه ابتدایی‌ترین و ساده‌ترین راهها و روشهای تشخیص و درمان بیماری را در بستری گسترده از فرهنگ جادویی، دینی - اعتقادی و تجربی می‌آزماید. طب عامه که در جامعه‌های عربی به «طب الرُّکَا» و «طب العجائز» معروف بوده، از طریق عادات و آداب فرهنگی نسل اندر نسل در میان توده مردم جامعه به صورت شفاهی انتقال یافته و به کار گرفته شده است.

براون دانش پزشکی در جامعه عرب زمان ظهور اسلام و دوره پیشرفت تعلیمات پیامبر را طبی بسیار ابتدایی و ساده و عامیانه می‌داند و می‌نویسد: اعتقاد اعراب بدوی در درمان بیماران منحصر به خواندن اوراد و ادعیه بود که در پایان ورد و ادعیه نیز آب دهان خواننده ورد را به بیمار می‌خوراندند.^۱ زومر (Zwemer) در کتاب عربستان، گهواره اسلام (Arabia, the Cradle of Islam) درباره چگونگی درمان بیماریها و اعمال رایج در میان قبایل و مردم صحرانشین و بیابانگرد و شهرنشین عربستان سخن گفته و می‌نویسد: یک پزشک مصری به نام عبدالرحمن افندی اسمعیل کتاب کوچکی درباره «طب الرُّکَا»، طب معمول در میان عوام و روش و شیوه عوامانه درمان بیماریهای رایج میان مردم مصر، به‌ویژه در میان زنان، نوشته و در ۱۸۹۲ م/۱۳۱۱ ق. چاپ و منتشر کرده است.

طب سنتی که آن‌را با عنوان «پزشکی قدیم» یا «پزشکی باستانی» نیز خوانده‌اند، دانشی است که بر آزمونها و تجربیات علمی و عملی در طول زمان و دوره خود مبتنی بوده و دارای بینش فلسفی و اصول و قاعده خاص است. بیش از هزار و اندی سال از تکوین طب سنتی در جامعه‌های ایران و جهان اسلام می‌گذرد. این طب دارای سنت نوشتاری مدون است و علمای این دانش مجموعه دانسته‌ها و تجربیات علمی و عملی خود را درباره هریک از بیماریها و امراض و دردها و گیاهان دارویی و مفردات طبی شناخته شده و راههای درمان آنها، به صورت مکتوب در دسترس گذاشته‌اند.

پزشکی سنتی در جهان اسلام بسیار گسترش یافته بود و رشته‌ها و حوزه‌های گوناگونی را دربر می‌گرفت. بنابر نوشته دکتر محقق در مقدمه دانشنامه میسری (ص ۵ و ۶) پزشکی سنتی از

حاشیه:

1) Browne, E. G. *Arabian Medicine*, Cambridge, 1962. p. 64-65.

این کتاب را مسعود رجب‌نیا با عنوان طب اسلامی به فارسی ترجمه کرده است.

«العلم علمان: علم الادیان و علم الابدان». آق سرایبی در شرح موجز القانون، به نقل از مقدمه موجز، در شرف و والایی علم و موضوع پزشکی و اجر و پاداش پیشه پزشکی می‌نویسد: «فان الطب علم شریف بشرف موضوعه... وفي الاشتغال به من الثواب الجزيل».^۲

حکیم میسری از پزشکان عالم و دیندار ایرانی سده چهارم هجری در دانشنامه خود که کهن‌ترین اثر منظوم در دانش پزشکی است به علم پزشکی و دین بیش از علوم شناخته شده در آن زمان بها می‌داد. او پزشکی را دانش تن و جسم، و دین را دانش جان و روح می‌دانست و سلامت روان و تن را به یکدیگر وابسته و سلامت یکی را بی‌دیگری ناممکن می‌پنداشت. می‌گوید:

پزشکی را و دین را گر ندانی زیانست این جهان و آن جهانی
یکی تن را ز بیماری بسوزد دگر جان را به دانش برنرورزد
پزشکی، دانشش تن را پناهست و دین دانستنش جان را سپاهست^۳

□ ابن قیّم: شرح زندگی

ابن قیّم جوزیه (۶۹۱ تا ۷۵۱ ق.) متکلم، فقیه و دانشمند حنبلی دمشق و از شاگردان برجسته احمد بن تیمیه و اشاعه‌دهنده افکار و عقاید او بود. در همه دانشهای رایج در زمان خود و تفسیر قرآن و حدیث و اصول و فروع فقه مهارت داشت. حیات فکری و فرهنگی و علمی او در زمان استادش احمد بن تیمیه شکوفا شد. در مدرسه صدریه حلقه درس برپا کرده بود و تا آخر عمر در این مدرسه به تدریس اشتغال داشت. ابن کثیر، تاریخنگار و محدث بزرگ شافعی از شاگردان او بود. ابن قیّم در دمشق زاده شد و در آنجا درگذشت و به خاک سپرده شد. ابن قیّم از پرکارترین دانشمندان اسلامی بوده است. شمار نوشته‌های او را در موضوعهای گوناگون بیش از ۵۰ جلد نوشته‌اند. به کتاب بسیار علاقه داشت و مجموعه بزرگی از آثار و نوشته‌های بزرگان آن دوره را در کتابخانه خود گرد آورده بود. موضوع توحید رکن و پایه اندیشه و آرای ابن قیّم در بیشتر نوشته‌هایش بوده است. به توحید هم از دیدگاه علمی و الهی می‌نگریست و هم آن را یک اصل مهم در زندگی فردی و مناسبات اجتماعی می‌دانست. در کتاب الطرق الحکیمیه با ذکر شواهد بسیار نشان می‌دهد که «چگونه پیشینیان از تدبیرهای عقلی برای احقاق حقوق مردم در مقام قضا و اداره امور جامعه و تأمین مصالح عمومی مسلمین» بهره می‌برده‌اند.

حاشیه:

(۲) نک. میر، محمدتقی، «روش طبابت و تعلیم و تعلم در طب سنتی»، در مجموعه مقالات درباره طب سنتی، ص ۱۰۹.
(۳) حکیم میسری، دانشنامه در علم پزشکی، به کوشش دکتر برات زنجان، ص ۵؛ نیز نک. بلوکباشی، نقد و نظر، ص ۱۶۵ تا ۱۷۲.

لحاظ موضوع رشته‌هایی مانند پزشکی، دامپزشکی و داروشناسی؛ از لحاظ کیفیت درمان، معالجاتی مانند کئی (داغ‌کردن)، جبر (شکسته‌بندی) و عمل الید (جراحی)؛ شیوه و روش درمان همچون روش اصحاب قیاس (dogmatism)، اصحاب تجارب (empiricism) و اصحاب طب حیلی (methodism)؛ حالت‌های مختلف انسان مانند تدبیرالأصحا (پزشکی کسانی که سلامتند)، تدبیرالمولودین (پزشکی نوزادان)، تدبیرالصبيان (پزشکی کودکان) و تدبیرالمشاخ (پزشکی پیران) را دربر می‌گرفت.

در حوزه دانشهای دینی مجموعه‌ای از آموزشها و دستورهای طبی متمایز از طب عامه و طب سنتی وجود دارد که در جامعه‌های اسلامی و ایران به «طب نبی» یا «طب نبوی» و «طب ائمه» شهرت یافته است. طب نبی و ائمه مجموعه حدیثها و روایتهای منقول از پیامبر و ائمه اطهار است که جنبه درمانی- دارویی دارد و راه و روش و سیره پیامبر و ائمه را در زندگی روزانه، و نظر و عقیده و آموزشها و توصیه‌های ایشان را در حفظ الصحة و دوری از بلاها و بیماریها و راههای درمان آنها با پرهیزانه‌ها و خوراکیها نشان می‌دهد. مجموعه حدیثها و روایتهای طبی را شماری از دانشمندان اسلامی و عالمان علم حدیث که به دانش پزشکی متداول در عصر خود آشنا و علاقه‌مند بودند گردآوری و با برخی از دانسته‌ها و آموزه‌های طبی برگرفته از پزشکی یونانی، ایرانی و هندی درآمیخته و در مجموعه‌هایی برحسب موضوع تنظیم و تدوین کردند.

طب سنتی یا پزشکی قدیم یا فرهنگ و اندیشه ایرانی، حکمت و فلسفه و اخلاق دینی اسلامی درآمیخته و از طب یونانی و هندی و چینی و مصری بهره گرفته است. حکیمان یا طبیبان اسلامی که طب علمی- سنتی را توسعه داده بودند، همه اهل ایمان بودند و در فضایی دینی عمل می‌کردند. طب نبوی، به‌ویژه دستورها و روشهایی از این طب که با برنامه غذایی و انواع پرهیزانه‌ها همراه است، با آموزشهای طب علمی اسلامی درآمیخته و طب سنتی از آن حمایت می‌کند.

در جهان اسلام، دانش پزشکی را همسان دانش دینی می‌انگاشتند و برای آن مرتبه‌ای والا و شرفی بزرگ قایل بودند. در ارزش و اعتبار علم پزشکی، حضرت محمد (ص) می‌فرمایند:

سوریه - اردن تحقیقات عملی کرده و یک سال در مؤسسه دارویی «تاریخ طب ولکام یونیت» (Wellcome Unit for the History of Medicine) آکسفورد به پژوهش پرداخته است. سفرهایی به خاور میانه کرده و مدتها در سرزمینهای این منطقه به سر برده است. اکنون در شهر آکسفورد اقامت دارد و در دانشگاه آکسفورد زبان عربی تدریس می‌کند.

ترجمه انگلیسی طب نبوی را «انجمن متون اسلامی» (The Islamic Texts Society) در کمبریج به خاتم جانستن پیشنهاد و سفارش داد تا از این راه امکان استفاده از متن این کتاب ارزشمند را برای خوانندگان انگلیسی، به‌ویژه مسلمانان انگلیسی‌زبان، که به منابع اصلی دسترسی ندارند، فراهم کند.

پنهلوپ جانستن در ترجمه انگلیسی عمدتاً از متن الطب النبوی، ویرایش عبدالمعطی امین قلعجی، چاپ ۱۳۹۸ ق. ۱۹۷۸ م. قاهره که براساس چند نسخه خطی و چاپی قدیم فراهم شده، استفاده کرده و بر چاپ طب نبوی سال ۱۳۴۶ ق. / ۱۹۲۷ م. حلب نیز نظر داشته است. در برگرداندن متن و رساندن مفاهیم اصطلاحی عربی به انگلیسی تلاش بسیار کرده و سرانجام با صرف دقت زیاد و تیزهوشی کامل از عهده کار ترجمه به خوبی برآمده است.

حکیم محمدسعید، مدیر «بنیاد همدرد پاکستان (Hamdard Foundation Pakistan)»، در پیشگفتاری بر کتاب، ترجمه خانم جانستن را ترجمه‌ای ماهرانه و افزوده‌ای برجسته و خجسته به گنجینه متون ترجمه در زمینه ادبیات دینی - طبی اسلامی، به‌ویژه میراث تاریخی و فرهنگی اسلام دانسته است.

□ کتاب «طب نبوی» انگلیسی: فصل‌بندی

ترجمه انگلیسی طب نبوی کم‌وبیش مطابق با فصل‌بندی متن عربی است و در دو بخش: بخش نخست با عنوان «طب»، دربرگیرنده مطالب مربوط به «مرض القلوب و مرض الابدان» و بخش دوم با عنوان «ادویه و اغذیه مفرده» تنظیم و تدوین شده است. حکیم محمدسعید پیشگفتار و دکتر سیدحسین نصر دیباچه و خود مترجم نیز مقدمه‌ای بر متن ترجمه نوشته‌اند. کتاب دارای چند نمایه با عناوین «آیات قرآنی»، «ارجاعات به حدیث»، «واژه‌نامه فنی عربی - انگلیسی»، «واژه‌نامه مفردات طبی عربی - انگلیسی»،

حاشیه:

۴) درباره شرح کامل زندگی و افکار و آثار این قلم نک. ابن قیّم جوزیه، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴ / ص ۴۹۸ تا ۵۰۴؛ نیز: دانشنامه اسلام، ج ۶ / ص ۸۰۳ و ۸۰۴؛ و مقدمه مترجم انگلیسی کتاب طب نبوی، صفحه‌های XXIII-XXXII.

ابن قیّم از حامیان اندیشه اصلاح‌طلبی در آداب و عادات دینی بود و در پیشنهاد و پی‌گیری نظریه‌های مخالف و متضاد با پندهای همگانی و معمول تردید و تشویش نداشت. ساختن مساجد و بقاع بر گورها را روانی‌دانست. همچون متشرعان دیگر «فلسفه» را به معنای «حکمت» و بر دو نوع: «قولی» و «فعلی» پذیرفته بود. حکمت قولی را کلام خدا و حکمت فعلی را کار صواب و راه پیامبران می‌دانست که حاوی قول خدا و فعل صواب است. ملخص کلام، ابن قیّم یک حکیم الهی اسلامی و یک طبیب دینی - تجربی بود.^۴

□ کتاب «طب نبوی» عربی

کتاب طب نبوی بخشی از کتاب بزرگ زادالمعاد ابن قیّم است که منبع اطلاعات درباره آداب و رسوم و گفته‌های پیغمبر و اطلاعات درباره اعمال طبی و درمانهای طبی و گیاهی رایج در زمان زندگی مؤلف در سده‌های ۷ و ۸ هجری است.

طب نبوی به دو بخش عمده طب عمومی و طب خاص و مفردات ادویه تقسیم می‌شود. در بخش نخست، موضوعهایی مانند تبها، یرقان، بیماریهای چشم به طور کلی، طاعون، چشم‌زخم، دعاها و تعویذها و حفظ سلامتی آمده است. در بخش دوم، صورت‌القبایی همه مواد دارویی شفابخش که در قرآن به کار رفته یا پیغمبر آنها را توصیه کرده، آمده است. داروهای شفابخش، انواع مواد غذایی، مانند آب و آب زمزم (با در نظر گرفتن اهمیت مذهبی آن)، اعمال مذهبی، به‌ویژه دعا و روزه، و همه آنچه را که می‌تواند برای سلامت «قلب و بدن» مفید باشد، شامل می‌شود.

در فراهم آوردن این مجموعه، ابن قیّم خلاصه‌ای دقیق درباره چگونگی پیروی از تعالیم و راهنماییهای پیامبر، همچنین چگونگی نظر مسلمانان دو سده ۷ و ۸ را درباره سلامتی، بیماری، داروها و معالجات ارائه داده است.

□ مترجم «طب نبوی»

مترجم انگلیسی طب نبوی خانم دکتر پنهلوپ جانستن است. جانستن درجه دکتری خود را در رشته تاریخ طب اسلامی و گیاهان دارویی گرفته است. در زمینه طب اسلامی در منطقه

همچون شیر است، آن را تلبین یا تلبنه گویند).

فصل ۲۵: دربارهٔ درمان سم، سحر و استفراغ همراه باقی، شامل زیرفصلهای درمان مسمومیت پیغمبر در خبیر،^۶ درمان سحر،^۷ تخلیه از راه قی؛ فصل ۲۶: حرفه و مسئولیتهای کسی که معالجات طبی انجام می‌دهد، شامل راهنمای انتخاب حاذق‌ترین طبیب، پزشکان و مسئولیت طبی، ویژگیهای پزشک حاذق.

فصل ۲۷: دربارهٔ پیشرفت بیماری و مرض واگیردار، شامل مراحل و شرایط بیمار، احتراز از بیماری واگیردار؛ فصل ۲۸: پیشگیری درمانی با محرّمات، فصل ۲۹: درمان شپش؛^۸ فصل ۳۰: راهنمای نبی دربارهٔ درمان با داروهای روحانی، شامل درمان چشم‌زخم، شستشو برای شفای چشم؛ فصل ۳۱: رقیه (دعا و تعویذ، افسون)، شامل رقیه برای درمان عمومی، رقیه گازگرفتگی با سورة فاتحه، رقیه نیش کژدم، خارش («فی رقیة التّملة» - نَمْلَه: دانه‌های ریز پرخارش در روی بدن) و نیش مار، رقیه قرحه و زخم و درد («فی علاج الوجع بالرقیة»); فصل ۳۲: درمان مصیبت [وحزن]، شامل زیرفصلهای داغ و غم مصیبت، درمان هیجان، اضطراب، غم و اندوه («فی علاج الکرب والهم والغم والحزن»)، تأثیر داروها بر اضطرابات و مرضها از راه تقرّب به خدا، درمان وحشت و بی‌خوابی («فی علاج الفزع و الأرق المانع من النوم»); درمان سوختگی؛ فصل ۳۳: راهنمای پیامبر دربارهٔ حفظ الصحه؛ فصل ۳۴: غذا و نوشابه، شامل زیرفصلهای انواع غذا، آداب غذاخوردن («فی هیئة الجلوس للأكل»)، راهنمای نوشیدنی، ظروف نوشیدنی؛ فصل ۳۵: شیوهٔ زندگی، شامل زیرفصلهای پوشاک، مسکن، خواب و بیداری، ورزش؛ فصل ۳۶: راهنمای پیامبر دربارهٔ جماع، شامل زیرفصلهای ملاحظات کلی و ازدواج، جماع حلال و حرام، درمان شیفتگی [Treatment for infatuation] («فی علاج العشق»)، درمان اثر یأس؛ فصل ۳۷: حفظ الصحه با رایحهٔ خوش [Preservation of health by scents (tib)] («فی حفظ الصحه بالطیب»); فصل ۳۸: حفظ الصحهٔ چشم و کاربرد کُحل (سنگ سرمه).

حاشیه:

5) Treatment of the sick by reassurance and encouragement.

عنوان این فصل در متن عربی الطب النبوی، چاپ بیروت ۱۹۸۵ م. چنین است: «فصل فی هدیه صلی الله علیه و سلم فی علاج المرضى بتطیب نفوسهم و تقویة قلوبهم».

۶) عنوان در متن عربی: «فی علاج السم الذی أصابه بخبیر من اليهود».

۷) سحر را از بیماریهایی می‌دانستند که به علل گوناگون عارض انسان می‌شد و آن را به روشهای مختلف درمان می‌کردند.

۸) «علاج القمل الذی فی الرأس و إزالته»، الطب النبوی، چاپ بیروت. عنوانهای عربی میان دو هلال بعدی از متن همین چاپ آورده شده است.

«کتابنامهٔ آثار نام برده شده در متن» و «نمایهٔ عمومی» در پایان ترجمه است.

بخش نخست کتاب در ۳۸ فصل و زیرفصلهایی چند با عنوانهای زیر شکل یافته است:

فصل ۱: مقدمه و ملاحظات کلی است و دربرگیرندهٔ این موضوعها: دو نوع بیماری، اصول بیماری بدن، طب قلب، طب بدن، اصول تداوی، دین و طب، حدیث مربوط به طب، پرهیزها دربارهٔ سوء هاضمه و قواعد کلی که باید در مورد غذا و نوشابه رعایت شود، ترکیبات بدن؛ فصل ۲: درمان طبیعی و الهی؛ فصل ۳: درمان تب با داروهای طبیعی؛ فصل ۴: درمان اسهال و منافع عسل؛ فصل ۵: درمان طاعون و احتراز از آن؛ فصل ۶: درمان استسقاء و منافع شیر شتر؛ فصل ۷: درمان زخمها؛ فصل ۸: درمان با عسل‌نوشی، حجامت و کئی (داغ کردن) شامل زیرفصلهایی دربارهٔ حجامت، حجامت در قفا، دربارهٔ اوقات حجامت، حجامت و روزه‌داری، دربارهٔ قطع رگها و داغ کردن.

فصل ۹: درمان صرع؛ فصل ۱۰: درمان عرق النساء (سیاتیک)؛ فصل ۱۱: درمان بیبوست و منافع سنا (گیاهی دارویی و مسهل)؛ فصل ۱۲: جگه (خارش تن) و علل تولید قمل (شپش)؛ فصل ۱۳: درمان ذات‌الجنب؛ فصل ۱۴: درمان صداع (سردرد) و شقیقه (میگرن)؛ فصل ۱۵: درمان بیمار با حذف غذا و نوشیدنی‌ای که کراهت دارد؛ فصل ۱۶: عُدْرَه (بیماری و درد گلو) و استفاده از شُعوَط (داروی چکاندنی در بینی)؛ فصل ۱۷: درمان مَفْوُود (بیماری و درد قلب) دربرگیرندهٔ زیرفصلهای درمانهای متنوع، تمر [dates]، خاصیت عدد ۷، ایمان به درمان.

فصل ۱۸: راهنمای نبی دربارهٔ امساک در غذا، شامل زیرفصلهای جبران غذایی با اضداد، پیشگیری با پرهیز غذایی، غذاهای مناسب بیمار؛ فصل ۱۹: درمان رَمَد (التهاب و ورم چشم)؛ فصل ۲۰: خَدْران (فلج، رعشه)؛ فصل ۲۱: اصلاح غذایی که در آن دُبَاب (مگس) افتاده است؛ فصل ۲۲: بَتره (کورک چرکدار)، اورام (ورمها و آماسها) و خُرَاجات (دُمَلها)؛ فصل ۲۳: درمان بیمار با طبیب خاطر و قوت قلب.^۵

فصل ۲۴: درمان (علاج‌الابدان) با داروها و غذاهایی که بیماران به آنها خو گرفته‌اند، شامل زیرفصلهای اصول کلی، تغذیهٔ بیمار با غذاهای بسیار رقیق و پالودهٔ خوی گرفته به آنها، تلبنه (آشی که از شیر و عسل و سبوس پزند و چون رنگش در سفیدی

پیامبر در چگونگی حفظ سلامت جسمانی و نفسانی نوشته است. او در شرح و توضیح طب نبوی و طب اسلامی به فرق میان آن دو می‌پردازد و طب اسلامی را مبتنی بر فلسفه ماورای طبیعی و برگرفته از طب یونانی می‌داند که در هندوستان، مصر، چین و جاهای دیگر با آموزشهای طبی تمدنهای آنها آمیخت و بسیاری از سنتهای طبی آن فرهنگها را پذیرفت.

دکتر جانستن می‌نویسد: با آنکه ابن قیّم از طب اسلامی آگاهی داشت، لیکن آموزه‌های طب اسلامی برای او در درجه دوم اهمیت قرار داشت و دستورهایی از آن را می‌پذیرفت که با آموزشهای دینی تطبیق می‌کرد. ابن قیّم در طب نبوی بجز نقل نظرها و دستورهایی از طب یونانی، نظرات پزشکان و دانشمندان مانند رازی، ابن سینا، غافقی (پزشک برجسته اندلسی و متخصص در ادویه مفرده، گیاه‌شناسی طبی)، زهراوی (پزشک و جراح و طبیعی‌دان اندلسی)، ثابت بن قرّه (حکیم و طبیب و مترجم بزرگ حوزه بغداد)، ابن جُلّجُل (طیب و گیاه‌شناس طبی اندلسی) و ابن رضوان (پزشک مصری) نیز نقل می‌کند. هریک از این دانشمندان سهم اندک لیکن تأییدکننده در محتوای آموزشی کتاب دارند.

جانستن در مبحث «مواد طبی» از مفردات ادویه و اغذیه گفتگو می‌کند که بیشتر منشأ گیاهی و برخی منشأ حیوانی و معدنی دارند و در طب اسلامی و نظامهای سنتی طبی دیگر به کار می‌روند. ابن قیّم مطابق با روح کتابش مواد را به جهت آمدن نامشان در قرآن و حدیث انتخاب کرده و آیات و حدیث مربوط به آنها را آورده است. همچنین، درباره غذاهایی مانند ماهی و گوشت و انواع آنها و خاستگاههای آنها به تفصیل توضیح می‌دهد. در زمینه آنچه نیز بر روح و تن انسان تأثیر می‌گذارد، به اثر آشکار روزه‌داری و دعا و نیایش اشاره می‌کند و می‌نویسد دعا و روزه نه تنها به بدن نیرو می‌بخشند، بلکه روح را هم تهذیب و تقویت می‌کنند.

در مبحث «مرضاها» به تقسیمبندی طب به دو بخش قلوب و ابدان در کتاب اشاره می‌کند و می‌نویسد با اینکه ابن قیّم به جنبه روحانی طب بیشتر اهمیت می‌دهد، لیکن به بیماریهای تن نیز می‌پردازد و برای سلامت و بهداشت تن یا حفظ الصّحّه پند و دستورهایی می‌دهد. در مبحث «دستنوشته‌ها و کتابهای چاپی» به نسخه‌های خطی و چاپی مورد استفاده در ترجمه کتاب، و در «مبحث پزشکان» به اطلاع ابن قیّم از میراث طبی دانشمندان قدیم و آموزشها و اعمال طبی آنان در تألیف طب نبوی اشاره دارد. در برخی جاها نیز ابن قیّم از این نوع خاص طبابت فاصله می‌گیرد و طب عامه و طب نبوی را بر طب علمی مقدم می‌شمرد.

دکتر جانستن بر مبنای پژوهشهای اولمان (Ulmann) و لوی (Levey) و چند تن دیگر از دانشمندان فرنگی، چگونگی بهره‌مندی ابن قیّم را از آثار طب علمی به اختصار توضیح می‌دهد و

□ نگاهی به دیباچه

دکتر نصر در دیباچه، کتاب طب نبوی ابن قیّم را در مجموعه آثار او که در جهان اسلام به طب نبوی شناخته شده‌اند، از بهترین نمونه‌های آن می‌داند و می‌نویسد: این کتاب نوعی «طب عامه» حاوی مفاهیم دینی نیست، بلکه مجموعه‌ای از میراث طبی پیامبر است که در حوزه پرهیزهای غذایی، سلامتی و بیماری فراهم و تنظیم شده است. او طب نبوی ابن قیّم را مکمل ابعاد معنوی، عقلانی و شرعی میراثی می‌انگارد که پیامبر برای جماعت مسلمان در زمره عاداتها و سنتهای خود گذاشته‌اند. او فهم و درک اصول و دستورهای طب نبوی را در پرتو نقش و کارکرد نبوت در اسلام می‌داند و می‌گوید طب نبی را نمی‌توان از طریق تاریخگرایی بیرونی (external historicism) درک کرد، چونکه اساس این بینش بر فرضیه عدم ارتباط وحی و تأثیر وحی بر جهانی که آن را دریافت می‌کند، نهاده شده است.

نصر معتقد است که به دلیل ایمان قوی مسلمانان به اصول اسلام و عشق آنها به پیامبر (ص)، اصول طب نبوی، به‌ویژه دستورهای غذایی آن، با زندگی روزانه مردم آمیخته و یکی شده است. بسیاری از احادیث پیامبر که راجع به مراقبت از بدن است، مانند ضرورت ترک سفره غذا پیش از احساس سیری، و خوردن غذا در فضایی آرام و بی‌تشنج و هیجان، به صورتهای گوناگون در حدیثهای اصلی و ضرب‌المثلهای، اشعار و مانند آنها در زبانهای بی‌شمار مردم سراسر جهان اسلام تکرار می‌شده‌اند. این طب نبوی که جزء لاینفک زندگی جماعت اسلامی شده است، نه تنها سنت طبی «علمی» را تکمیل می‌کند، بلکه به معنایی چهارچوبی هم برای این سنت طبی فراهم می‌کند که بر خود عنصر انسانی نیز تأثیر می‌گذارد.

□ نگاهی به مقدمه

خانم دکتر جانستن مقدمه خود را به شرح و بحث درباره ابن قیّم و اثر او و موضوعهایی چون «طب نبوی»، «طب زمان پیامبر»، «مواد طبی»، «مرضاها»، «دستنوشته‌ها و ویرایشها»، «پزشکان» و «پزشکان در اسپانیای اسلامی» یا اندلس اختصاص داده است.

او طب نبوی ابن قیّم را تألیفی از یک عالم متدین دین‌شناس اهل عمل می‌داند که مطالب کتابش را بر مبنای آیات قرآنی و احادیث و آموزشهای دینی- مذهبی و توصیه‌ها و راهبردهای

می‌نویسد: این قِیم از ترجمه‌های عربی برخی آثار دانشمندان بزرگ یونانی استفاده کرده است. مثلاً، از طبیبانی مانند سقراط (۴۶۰ تا ۳۶۰ پ.م) در بیماریهای حاد (در فصل ۲۸) و پیش‌بینی علائم مرضها (در فصل ۳۵)، جالینوس (۱۲۹ تا ۱۹۹ م) دربارهٔ تبها (در فصل ۳) یا کاربرد انجیر (تین) و شاهی یا ترتیزک (حُرف) در بخش «ادویه و اغذیه» کتابش نقل می‌کند.

همچنین از آثار یوحنا بن ماسویه (۷۷۷ تا ۸۵۷ م)، یعقوب بن اسحاق کندی (حدود ۸۷۳)، ثابت بن قُره (۸۲۶ تا ۹۰۰ م)، علی بن عباس (مرگ ۹۴۴ م)، ابو عبدالله محمد تمیمی (مرگ ۹۸۰ م)، اسحاق بن سلیمان (۸۵۵ تا ۹۵۰ م)، شرف‌الدین علی کَحّال (مرگ پس از ۱۰۱۰ م)، ابوسهل عیسی بن یحیی مسیحی جرجانی (مرگ ۱۱۱۰ م) و ابوالحسن علی بن رضوان (مرگ ۱۰۶۸ م) بهره گرفته بوده است.

این قِیم از آثار دو فیلسوف و پزشک بزرگ ایرانی، ابوبکر محمد بن زکریای رازی و ابوعلی سینا استفاده و نقل کرده است. خانم جانستن این دو دانشمند ایرانی را مشهورترین پزشکان فیلسوف عرب [!] خوانده است. این اشتباه به سبب تبلیغات در جوامع عربی یا به زبان عربی بودن آثار آنان بوده است. این قِیم در فصل ۲ کتاب دربارهٔ «تبها» و در چند جای دیگر کتاب از الحاوی فی الطب رازی و در موارد زیادی (از جمله «حجاست» در فصل ۸) از قانون ابن سینا استفاده کرده است. مترجم در مبحث «پزشکان اندلسی» به نقل برخی نظرها و دستورها از آثار سه پزشک معروف اندلسی، ابن جُلجُل (مرگ ۹۹۴ م)، ابن سَمَجون، پزشک داروشناس اهل قرطبه و معاصر جلجل و ابوجعفر احمد غافقی (مرگ ۱۱۳۵ م) در طب نبوی اشاره دارد و می‌نویسد: این قِیم دوبار، یک‌بار در مورد سواک (مسواک) و یک‌بار دیگر در مورد نرجس (نرگس) از کتاب التیسیر فی المداواة والتدبیر (راهنمای عملی درمان و پرهیز)، نوشتهٔ ابن زُهر، ابومروان عبدالملک اشبیلی (مرگ ۱۱۶۲ م) استفاده کرده است.

خانم دکتر جانستن در ترجمهٔ متن عربی طب نبوی به انگلیسی، دشواریهایی در یافتن و قراردادن اصطلاحهای انگلیسی معادل با اصطلاحهای طبی عربی داشته است. او بیشتر اصطلاحات طبی انگلیسی در متن ترجمه را از لغت‌نامه‌های شرف^۹ و حتی^{۱۰} گرفته و کوشیده است تا نزدیک‌ترین و محتمل‌ترین اصطلاحهای انگلیسی را در برابر اصطلاحهای طبی رایج در زمان این قِیم

حاشیه:

9) Sharaf, M. *An English-Arabic Dictionary of Medicine, Biology, and Allied Science*, Cairo, 1926.

10) Hitti, Y.K., *Hitti's Medical Dictionary English-Arabic*, Beirut, 1972.

برگزیند تا بتواند مفاهیم را به خوانندهٔ انگلیسی به آسانی انتقال دهد. او چند مورد را مثال می‌زند. مثلاً می‌نویسد این قِیم در مورد بیماریهای پوستی، اصطلاحهای رایج و عمومی آن زمان «برص»، «بَهَق»، «جذام» و «داء الفیل» را به کار برده است. دانشمندان اروپایی، همچون نویسندگان عرب دوران اولیهٔ اسلامی، بخصوص دربارهٔ دو اصطلاح برص و بهق، اختلاف و جدل دارند. از این رو، برای بهره‌گیری از آرای اجماع علما در برابر «برص»، vitiligo «بَهَق»، leukoderma «جذام»، leprosy و «داء الفیل»، elephantiasis را برگزیده است. همچنین، این قِیم برای توصیف دردی که در ناحیهٔ پردهٔ جَنب عارض می‌شود، سه اصطلاح «ذات‌الجنب»، «بَهو» (درد قفسهٔ سینه) و شوصا را به کار می‌برد. مترجم اصطلاح علمی pleurisy را برای هر سه اصطلاح به کار می‌برد.

چگونه باید رفتار کنیم؟

گفتگوی دانش‌آموزان دربارهٔ اخلاق

رحمان افشاری (برلین)

Wie sollen wir handeln? Schülergespräche über Moral. Ernst Tugendhat, Celso Lopes, Ana Maria Vicuna. Stuttgart. Reclam. 2000. 173 S. ISBN: 3-15-018089-9. DM 8.00.

افلاطون نخستین فیلسوفی است که آرای فلسفی خود و استادش سقراط را در قالب گفتگو به رشتهٔ تحریر درآورده است. این شیوهٔ بیان را بعدها در اینجا و آنجا و نزد فیلسوفانی چون بارکلی نیز می‌بینیم. فیلسوفان ایرانی، به‌ویژه آنجا که بیان مطلب مخاطره‌آمیز بوده است، از زبان داستانی و رمزی سود برده‌اند که از آن میان می‌توان نمونه‌وار به روزی با جماعت صوفیان و عقل سرخ از سهروردی، داستان سلمان و اِسال از ابن‌سینا، حیّ بن یقظان از ابن طفیل و ابن‌سینا اشاره داشت. ژان پل سارتر نیز برخی آثار فلسفی خود را در قالب داستان و نمایشنامه ریخته است که هم از نظر فلسفی و هم از نظر ادبی جایگاهی ممتاز دارند.

در سالهای اخیر کتابی با نام دنیای سوفی انتشار یافت که به